

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



عربی، زبان قرآن (۲)

کلیه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

پایه یازدهم دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۲۱۱۱۱۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	گروه درسی عربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری - محمدکاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - مریم کیوان (طراح جلد) - شهرزاد قنبری (صفحه‌آرا) - رعنا فرج‌زاده دروئی، الهام جعفرآبادی، فاطمه پزشکی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه:	www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰
چاپخانه:	صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹ شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۴۰۰



کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.





قال الإمام الخميني (قدس سره) :


«اللغة العربية لغة الإسلام و الإسلام للجميع.»

أَلْفِهْرِسُ

- الف | بيشگفتار 
- ۱ | أَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ 
- ۲ | أَلتَّلْمِيذُ النَّجَّارُ
- ۴ | جِوَارُ (مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)
- ۶ | اِعْلَمُوا (فِعْلُ الْأَمْرِ)
- ۱۰ | أَلتَّمَارِينُ
- ۱۲ | أَلنَّشَاطُ اللَّغَوِيُّ

- ۱۵ | أَلدَّرْسُ الثَّانِي 
- ۱۶ | أَلنَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ
- ۱۹ | جِوَارُ (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)
- ۲۰ | اِعْلَمُوا (فِعْلُ الْأَمْرِ)
- ۲۴ | أَلتَّمَارِينُ
- ۲۶ | أَلبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

- ۲۷ | أَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ 
- ۲۸ | أَلفُنُونُ وَ أَلحَرَفُ الْيَدَوِيَّةُ
- ۳۱ | جِوَارُ (مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)
- ۳۲ | اِعْلَمُوا (أَلفِعْلُ الْمَجْهُولِ)
- ۳۴ | أَلتَّمَارِينُ
- ۳۶ | أَلعَمَلُ الْيَدَوِيِّ

- ۳۷ | أَلدَّرْسُ الرَّابِعُ 
- ۳۸ | تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ
- ۴۱ | جِوَارُ (شِرَاءِ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجِوَالِ)
- ۴۲ | اِعْلَمُوا (اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ)
- ۴۴ | أَلتَّمَارِينُ
- ۴۶ | أَلبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای هنرجویان

خدای را سپاسگزاریم که به ما توانایی داد، تا با نگارش دومین کتاب «عربی، زبان قرآن» ویژه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به نوجوانان کشور عزیزمان، خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

شایسته است دبیر عربی برای تدریس این کتاب، کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد، تا با آگاهی از آموخته‌های پیشین هنرجو، تدریسی موفق داشته باشد.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»
هدف اصلی آموزش عربی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و متون دینی و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

کتاب‌های عربی، مطابق مصوبه برنامه درسی ملی، متن محور است. انتظار می‌رود هنرجوی پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خواننده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌ها پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است، به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. هرچند مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد، ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ این کتاب در چهار درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در پنج ساعت آموزشی تدریس کرد. زمان تدریس، یک ساعت در هفته است. برخی مدارس، درس عربی را دو هفته یک بار در دو ساعت آموزشی، برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲ آزمون نوبت اول در دی ماه، از درس‌های اول و دوم است.

۳ هنرجوی پایه یازدهم پیش از این با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أخوکنَّ الصَّغیر»، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

۴ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست.

۵ پژوهش‌ها و فعالیت‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی به شمار می‌آید.

۶ از بخش پایانی هر چهار درس (الْبَحْثُ الْعِلْمِي، النَّشَاطُ اللَّغَوِي وَاَلْعَمَلُ الْيَدَوِي) در امتحانات میان نوبت و پایانی و کنکور، یا مسابقات سؤالی طرح نخواهد شد. انجام این بخش به وقت و تصمیم دبیر بستگی دارد.

۷ تعریب و إعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۸ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ» شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند؛ اما در پایان آموزش افعال و ضمایر اشکالی ندارد که به روش مرسوم در صرف اشاره کرد.

۹ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۰ هدف آموزشی درس اول و دوم «تکمیل قواعد درس سوم و چهارم سال گذشته در فعل‌های صحیح و سالم» است. هدف این است که فراگیر با استفاده از آموخته‌های پیشین با فعل‌های امری آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد از ثلاثی مزید و ذکر نوع باب و صیغه فعل از اهداف آموزشی نیست.

۱۱ در درس سوم «فعل مجهول صحیح و سالم» مانند کُتِبَ و يَكْتَبُ تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۱۲ در درس چهارم «اسم فاعل و اسم مفعول» آموزش داده می‌شود و شناخت آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. بحث جامد و مشتق و ساختن اسم فاعل و اسم مفعول، هدف کتاب نیست.

۱۳ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۴ از همکاران گرامی خواهشمندیم با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا هنرجویان با این شیوه آموزش دیده‌اند.

۱۵ حفظ عین جمله‌های بخش «جوار» از نظر آموزشی نادرست است. دانش‌آموز می‌تواند این بخش را با کاهش یا افزایش انجام دهد.

۱۶ هدف قواعد درس اول و دوم ساخت فعل امر از فعل مضارع نیست؛ بلکه هدف این است که دانش‌آموز بتواند فعل‌های پرکاربرد امر را در جمله و با توجه به قرائن بشناسد و درست معنا کند. اگر به متون و عبارات کتاب دهم و یازدهم توجه شود، می‌بینید که همه فعل‌های امر در کتاب به کار نرفته است. قاعده فعل امر در کتاب به صورت کامل تدریس شده؛ اما لازم نیست در ارزشیابی نیز کامل مورد سؤال واقع شود. اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

سخنی با هنرجویان عزیز

زبان عربی را می‌آموزیم؛ زیرا:

زبان قرآن، حدیث و دعا و زبان نخست دین اسلام است؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان می‌باشد؛ زبان و ادبیات فارسی با آن در آمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است.

ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماسست و دبیر نقش راهنما دارد.

در کتاب‌هایی که تحت عنوان کتاب کار، تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات نگاشته می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست. برای یادگیری هر زبانی باید تکرار و تمرین فراوان داشته باشید. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش‌مطالعه کنید.

هدف این کتاب، فهم متن است.

اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

النَّجْم: ٣٩

انسان چیزی ندارد، جز آنچه را با تلاش به دست آورده است.

التَّمْلِيذُ النَّجَّارُ

أَنَا فِي الصُّبْحِ تَلْمِيذٌ وَبَعْدَ الظُّهْرِ نَجَّارٌ
 فَلِي قَلَمٌ وَ قِرْطَاسٌ وَ مِسْمَارٌ وَ مِِنْشَارٌ
 وَ عِلْمِي إِنْ يَكُنْ شَرَفًا فَمَا فِي صَنْعَتِي عَارٌ
 فَلِلْعُلَمَاءِ مَرْتَبَةٌ وَ لِلصَّنَاعِ مِقْدَارٌ



الْمُعْجَم

قِرطاس: كاغذ = وَرَق	إِنْ يَكُنْ: اگر باشد
مَرْتَبَة: جایگاه	سَعَى: تلاش کرد = حاوَل، اجْتَهَدَ، جَدَّ
مِسْمَار: میخ	صُنَاع: صنعتگران «مفرد: صانع»
مِقْدَار: اندازه (در اینجا: ارزش)	فَلِي: پس دارم (فَد + ل + ي)
مِنْشَار: اره	عَار: ننگ = عَيْب

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

x ✓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

١ التَّلْمِيذُ مَشغُولٌ بِالْعَمَلِ لِكَسْبِ الْمَهَارَةِ.

٢ الْقَلَمُ وَالْقِرطاسُ مِنْ أَدَوَاتِ الدَّرَاسَةِ.

٣ يَذْهَبُ التَّلْمِيذُ إِلَى الْعَمَلِ صَبَاحاً.

٤ لَيْسَ لِلصُّنَاعِ مَقَامٌ.

٥ لَيْسَ الْعَمَلُ عَاراً.

حوارٌ مع سائقِ سيارَةِ الأجرَةِ

السائقُ	الساخُ
أنا في خدمتِكُم.	يا سائقُ، نُريدُ أَنْ نذهبَ إلى المَدائنِ.
أظُنُّ المَسافَةَ سَبْعَةً و ثلاثينَ كيلومتراً. عَجيبٌ؛ لِمَ تذهبونَ إلى المَدائنِ؟	كَمِ المَسافَةُ مِنَ بَغدادِ إلى هُنَاكَ؟
لأنَّهُ لا يذهبُ إلى المَدائنِ إلا قَليلٌ مِنَ الزُّواري.	لزيارةِ مَرقدِ سَلمانِ الفارسيِّ <small>عليه السلام</small> وَ مُشاهدَةِ طاقِ كِسرِي؛ لِمَذا تَتعَجَّبُ؟!
زيارةٌ مَقبولةٌ! أ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلمانُ <small>عليه السلام</small> ؟	في البِدايةِ تَشَرَّفْنَا بِزيارةِ العُتباتِ المَقَدَّسةِ.
أَحسَنَتْ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلوماتٌ عَن طاقِ كِسرِي؟	نَعَم؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنَ أَصحابِ النَّبِيِّ <small>صلى الله عليه وآله وسلم</small> .
ماشاءَ اللهُ! مَعْلوماتُكَ كَثيرةٌ!	بِالتَّأكيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصورِ المُلوكِ السَّاسانيِّينَ قَبْلَ الإسلامِ. أَنشَدَ شاعِرانِ كَبيرانِ قَصيدَتينِ عِندَ مُشاهدَةِ إيوانِ كِسرِي؛ البُحْثِيُّ مِنَ أَكْبَرِ شُعراءِ العَرَبِ، وَ خاقانيُّ، الشَّاعِرُ الإيرانِيُّ.

أَحسَنَتْ: آفرين بر تو

تَشَرَّفْنَا: مشرفٌ شديدٌ
أَنشَدَ: سرود (مضارع: يُنشدُ)

أظُنُّ: گمان می‌کنم (ماضی: ظنُّ)
مُلوك: شاهان «مفرد: مَلِك»

أَنْ نذهبَ: که برویم
قُصور: کاخ‌ها «مفرد: قَصْر»



طاق كسرى



مَرَقْدُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اعلموا

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱)

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افعل»، «افعل» و «افعل»: آشنا شدید؛ مثال:

تَسْمَعُ: می شنوی	إِسْمَعُ: بشنو	تَنْزِلُ: پایین می آیی	إِنْزِلُ: پایین بیا
تَلْعَبُ: بازی می کنی	الْعَبُ: بازی کن	تَعْرِفُ: می شناسی	اعْرِفُ: بشناس
تَذْهَبُ: می روی	إِذْهَبُ: برو	تَكْتُبُ: می نویسی	اَكْتُبُ: بنویس
تَعْمَلُ: کار می کنی	اعْمَلُ: کار کن	تَخْرُجُ: خارج می شوی	اُخْرَجُ: خارج شو
تَجْلِسُ: می نشینی	اجلسُ: بنشین	تَنْظُرُ: نگاه می کنی	انظُرُ: نگاه کن

«افعل» مانند افْتَحُ: باز کن «افعل» مانند اضْرِبُ: بزن «افعل» مانند اُخْرَجُ: خارج شو در درس سوم پایه دهم با فعل‌هایی آشنا شدید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیشتر از سه حرف اصلی داشت؛ مانند: اسْتَعْفَرَ، اِنْتَعَدَ، اِنْسَحَبَ و تَعَلَّمَ. سال گذشته با مضارع و مصدر این فعل‌ها آشنا شدید. اکنون با فعل امر آنها نیز آشنا شوید.

تَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهی	اسْتَعْفِرُ: آمرزش بخواه
تَبْتَعدُ: دور می شوی	اِبْتَعدُ: دور شو
تَنْسَحِبُ: عقب نشینی می کنی	اِنْسَحِبُ: عقب نشینی کن
تَتَعَلَّمُ: یاد می گیری	تَعَلَّمُ: یاد بگیر

۱- «ماضی سوم شخص مفرد» بیشتر فعل‌های دوره اول متوسطه فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شدند؛ مانند: ذَهَبَ و سَمِعَ.

وزن فعل‌های ماضی و مضارع و مصدرهای جدول زیر را سال گذشته حفظ کردید.
 اکنون فعل امر را در کنار آن حفظ کنید.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَال
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَال
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

مثال: ~~تَسْتَفْعِلُ~~ ← اِسْتَفْعِلْ ~~تَفْتَعِلْ~~ ← اِفْتَعِلْ ~~تَنْفَعِلْ~~ ← اِنْفَعِلْ ~~تَتَفَعَّلْ~~ ← تَفَعَّلْ

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِسْتَعْمَلَ: کار کرد	يَسْتَعْمِلُ: کار می‌کند	اِسْتَعْمَلْ: کار کن	اِسْتِعْمَال: کار کردن
اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتِحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	تَكَلَّمْ: سخن بگو	تَكَلُّم: سخن گفتن

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، نشانه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.
یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

«نـ» در «إِفْعَلْ، اسْتَفْعَلْ، افْتَعَلْ، انْفَعَلْ، تَفَعَّلْ» مانند:

إِذْهَبْ اسْتَخْرِجْ اِكْتَسِبْ اِنْسَحِبْ تَعَلَّمْ

«یـ» در «اِفْعَلِي، اسْتَفْعَلِي، افْتَعَلِي، انْفَعَلِي، تَفَعَّلِي» مانند:

إِذْهَبِي اسْتَخْرِجِي اِكْتَسِبِي اِنْسَحِبِي تَعَلَّمِي

«و» در «اِفْعَلُوا، اسْتَفْعَلُوا، افْتَعَلُوا، انْفَعَلُوا، تَفَعَّلُوا» مانند:

إِذْهَبُوا اسْتَخْرِجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَحَبُوا تَعَلَّمُوا

«ن» در «اِفْعَلْنَ، اسْتَفْعَلْنَ، افْتَعَلْنَ، انْفَعَلْنَ، تَفَعَّلْنَ» مانند:

إِذْهَبْنَ اسْتَخْرِجْنَ اِكْتَسِبْنَ اِنْسَحِبْنَ تَعَلَّمْنَ

«ا» در «اِفْعَلَا، اسْتَفْعَلَا، افْتَعَلَا، انْفَعَلَا، تَفَعَّلَا» مانند:

إِذْهَبَا اسْتَخْرِجَا اِكْتَسَبَا اِنْسَحَبَا تَعَلَّمَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَنْتَظِرُونَ: منتظر می‌شوید اِنْتَظِرُوا:

تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می‌کنی تَعَجَّبِي:

تَسْتَخْرِجَنَّ: خارج می‌کنید اسْتَخْرِجَنَّ:

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اِسْتَعَجَلَ:	يَسْتَعِجِلُ:	اِسْتَعِجِلْ:	اِسْتِعْجَال: عجله کردن
اِعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:	اِعْتَذِرْ:	اِعْتِذَار: پوزش خواستن
اِنْهَدَمَ:	يَنْهَدِمُ:	اِنْهَدِمْ:	اِنْهَادَم: ویران شدن
تَقَرَّبَ:	يَتَقَرَّبُ:	تَقَرَّبْ:	تَقَرُّب: نزدیک شدن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): اِقْرَأِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ قِرَاءَةً صَحِيحَةً، وَ اجْعَلْ عِلَامَاتِهَا.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
استشهد	يستشهد	استشهد	استشهاد
افتخر	يفتخر	افتخر	افتخار
انصرف	ينصرف	انصرف	انصراف
تصور	يتصور	تصور	تصور
استخدم	يستخدم	استخدم	استخدام
اعترف	يعترف	اعترف	اعتراف
انقرض	ينقرض	انقرض	انقراض
تعمد	يتعمد	تعمد	تعمد

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الكَلِمَاتِ الجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ.

- ١ شَيْءٌ حَدِيدِيٌّ نَضْرِبُ عَلَى رَأْسِهِ لِلدُّخُولِ فِي الخَشَبِ وَ الجِدَارِ.
- ٢ أَدَاةٌ حَدِيدِيَّةٌ لَهَا أَسْنَانٌ، لِقَطْعِ الخَشَبِ وَ نَحْوِهِ.
- ٣ وَرَقَةٌ بِالْوَلَوْنِ الأَبْيَضِ تَكْتُبُ عَلَيْهَا.
- ٤ عَيْبٌ كَبِيرٌ وَ فَضِيحَةٌ عَظِيمَةٌ.
- ٥ حَاكِمٌ عَلَى بِلَادٍ بِحُكْمِ الوِرَاثَةِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١ صَاحِبُ حِرْفَةٍ مِنَ الحِرْفِ
 - التَّجَار
 - الصُّدَاع
 - الذِّكْرِيَات
 - البُّسَيْط
- ٢ (مَجْمَعٌ تَكْسِيرِي)
 - الصَّحِيفَةُ
 - الصَّبَاح
 - المِنشَار
 - الصُّنَاع
- ٣ (أَفَةٌ التَّجَاح)
 - المِهْنَةُ
 - الكَسَل
 - النَّشَاط
 - المُصَافِحَةُ
- ٤ (إِسْمٌ مُفْرَدٌ)
 - الفُّصُور
 - المُلُوك
 - الدُّخُول
 - العُلُوم
- ٥ (طَائِرُ اللَّيْلِ)
 - البُوم
 - السَّائِح
 - الكَهْف
 - السَّائِق
- ٦ (لَيْسَ مِنَ الفُّوَاكِهِ)
 - الرُّمَان
 - العَجَب
 - التُّفَّاح
 - الفَّرَس

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ؛ ثُمَّ عَيِّنْ فِعْلَ الْأَمْرِ.

١ هُوَ أَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿ آل عمران: ١٤٧

٢ هُوَ إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿ العلق: ٣ و٤

٣ هُوَ فَاصِرٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ ﴿ غافر: ٥٥

٤ وَعَظَّ اللَّهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِعْقِلْ وَتَفَكَّرْ وَانظُرْ فِي نَوَاجِي الْأَرْضِ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ.

٥ تَصَدَّقُوا؛ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ؛ وَتَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦ اِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ؛ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٧ اسْتَنْزَلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



استَنْزَلُوا: فرود بیاورید

اعْقِلْ: بیندیش

وعَظَّ: اندرز داد

استَغْفِرُ: آمرزش بخواه

أَرْحَمُ: گرامی تر

النشاط اللغوي

صَغِّحْ كُلَّ صَوْرَةٍ اسْمَ صَاحِبِ الْمِهْنَةِ مُسْتَعِينًا بِالْكَلِمَاتِ الَّتِي بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ؛ ثُمَّ تَرَجِّمِ
الْكَلِمَاتِ الزَّائِدَةَ.

(السَّبَّابُ / الطَّبَّاخُ / النَّجَّارُ / الْحَدَّادُ / الْحَبَّازُ / الْحَلَّاقُ / الْمُحَاسِبَةُ / الرَّسَّامَةُ / الْكُؤَاءُ /
الْكَهْرَبَائِيُّ / الْبَزَّازُ / الطَّبَّاغَةُ / الْمُصَلِّحُ / خَرَّاطُ الْحَدِيدِ / الصِّيدَلَانِيَّةُ / الْحَلْوَانِيُّ / الْمُصَوِّرَةُ /
المُوسِيقَارُ / حَيَّاطَةُ الْفَسَاتِينِ / الْمُضَيِّفَةُ / الطَّبِيبَةُ)



..... الدَّكِيَّةُ



..... الْمَاهِرَةُ



..... النَّظِيفُ



..... الْقَوِيُّ



..... الصَّادِقَةُ



..... الْمُحَجَّبَةُ



الْقَادِرُ



الْمَسْوُوقُ



الْفَهِيْمَةُ



التَّشِيْطَةُ



الْمَعْرُوفُ



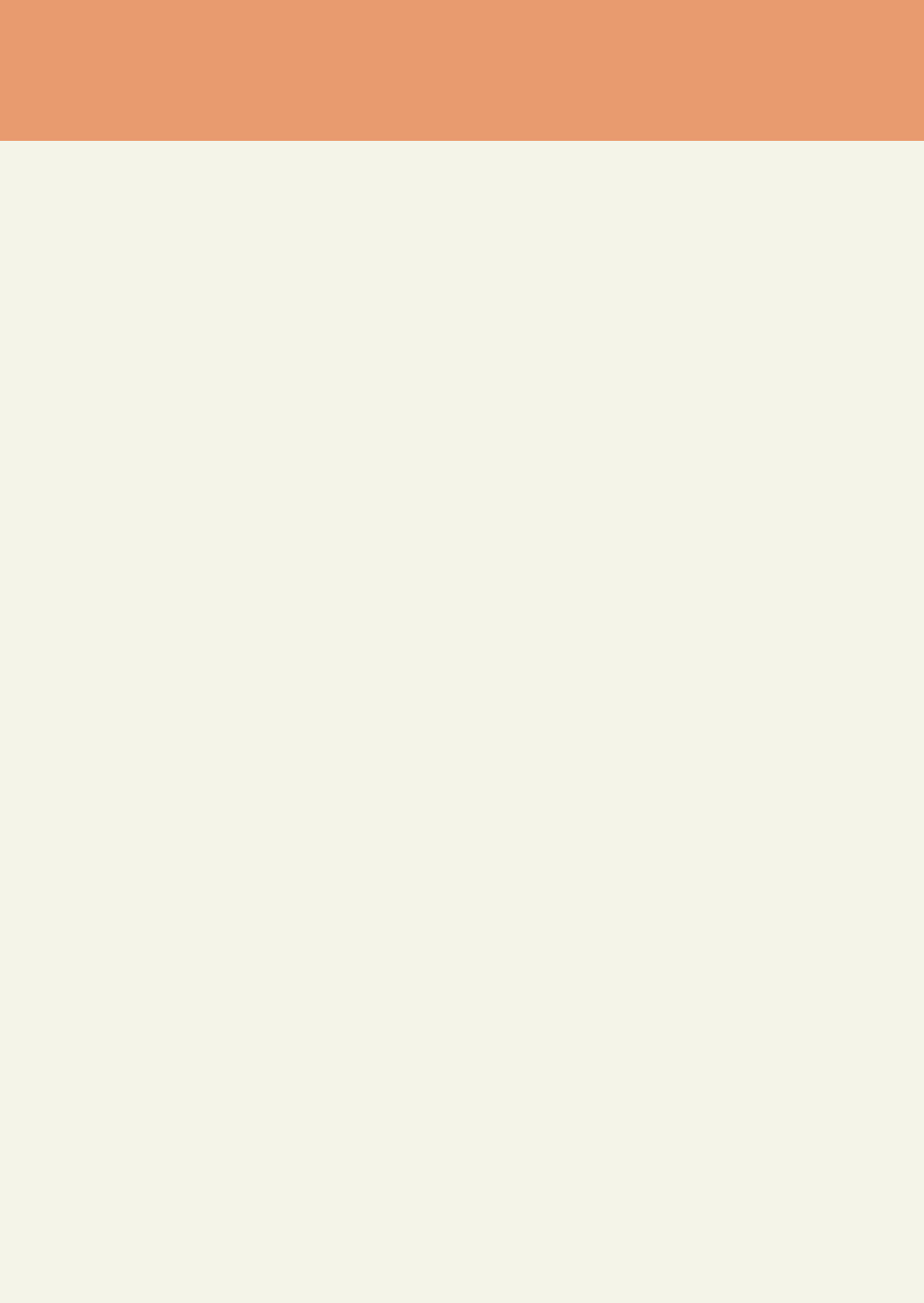
الشَّابُّ



الْمُنْصِفُ



الْمُجْرَبَةُ





الدَّرْسُ الثَّانِي



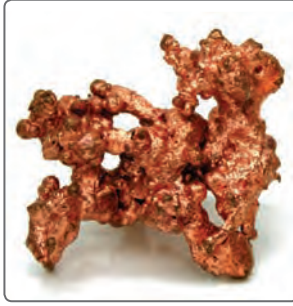
﴿ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ﴾

هود : ٦١

او شما را از زمین پدید آورد و از شما خواستار آبادانی اش شد.

النَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ

النُّحَاسُ عُنْصُرٌ يَدْخُلُ فِي تَرْكِيْبِ الْكَثِيْرِ مِنَ السَّبَائِكِ كَالذَّهَبِ لِإِعْطَاءِ الصَّلَابَةِ إِلَيْهِ.



النُّحَاسُ مُوصَّلٌ لِلْكَهْرَبَاءِ ، فَيَسْتَخْدِمُهُ الصَّانِعُ فِي صِنَاعَةِ الْأَسْلَاحِ وَ الْكَابَلَاتِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ وَ الْأَجْهَازَةِ الْإِلِكْتْرُونِيَّةِ، وَ فِي مَوَادِّ الْبِنَاءِ بِسَبَبِ مُقَاوَمَتِهِ لِلتَّآكُلِ، وَ فِي صِنَاعَةِ النُّقُودِ الْمَعْدِنِيَّةِ وَ الْمَجُوهَرَاتِ.



النَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ مِنَ الصَّنَاعَاتِ الْيَدَوِيَّةِ الَّتِي يُحِبُّهَا السِّيَاحُ الْأَجَانِبُ وَ الْإِيرَانِيُونَ. يَرَسُمُ الْفَنَّانُ رَسْمًا عَلَى قِطْعَةٍ مِنَ النُّحَاسِ بِوَاسِطَةِ قَلَمِ الرِّصَاصِ. ثُمَّ يَنْقُرُ عَلَى النُّحَاسِ بِالْمِطْرَقَةِ وَ يَحْفِرُهُ وَ بَعْدَ هَذِهِ الْمَرْحَلَةِ يَلْمَعُهُ بِالْفَرْشَاءِ. ثُمَّ تَأْتِي مَرْحَلَةُ الطَّلَاءِ بِالذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ أَوْ الْبُرُونزِ.



يُنتِجُ الْفَنَّاوْنَ لَوْحَاتٍ نُحَاسِيَّةً مَكْتُوبَةً بِالْآيَاتِ
وَ الْأَحَادِيثِ وَ أَشْكَالٍ جَمِيلَةٍ.



النَّقْشُ عَلَى النُّحَاسِ أَقْسَامٌ: مِنْهَا النَّقْشُ عَلَى الْأَوَانِي، وَ النَّقْشُ عَلَى وَرَقَةٍ نُحَاسِيَّةٍ.
يَبِيعُ الْفَنَّاوْنَ مُنْتَجَاتِهِمُ النُّحَاسِيَّةَ بِشَكْلِ الْأَلْوَحِ فِي الْمَعْرِضِ وَ فِي سَوَاقِ الصَّنَاعَاتِ
الْيَدَوِيَّةِ.



قَلَمُ الرَّصَاصِ: مداد	أَجْهَرَةٌ: دستگاه‌ها «مفرد: جهاز»
لَوْحَةٌ: تابلو	اسْتَعْمَرَ: خواستار آبادانی شد
مُجَوَهَرَات: جواهرات	أَسْلَاك: سیم‌ها «مفرد: سِلْك»
مِطْرَقَةٌ: چکش	أَنْشَاءٌ: پدید آورد، ساخت
مَعْرِضٌ: نمایشگاه	«مضارع: يُنْشِئُ / مصدر: إنْشَاء»
مُنْتَجَات: تولیدات «مفرد: مُنْتَج»	أَوَانِي (أَوَانٍ): ظرف‌ها «مفرد: إِنْاء»
مُوصِّلٌ: رسانا	تَأْكُلٌ: پوسیدگی، خوردگی
نُحَاسٌ: مس	سَبَائِكٌ: شمش‌ها «مفرد: سَبِيكَة»
نُقُودٌ مَعْدِنِيَّةٌ: سکه	سَيَّاحٌ: گردشگران، جهانگردان «مفرد: سَائِح»
يُلْمَعُ: درخشان می‌کند «ماضی: لَمَعَ»	صَلَابَةٌ: محکمی
يُنْتَجُ: تولید می‌کند «ماضی: أَنْتَج»	طَلَاءٌ بِالذَّهَبِ: روکش طلا زدن
يَنْقُرُ: نقش می‌کند، نوک می‌زند «ماضی: نَقَرَ»	فَنَّانٌ: هنرمند

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ إجاباتٍ قَصِيرَةً.

١ هَلْ يَنْقُرُ الْفَنَّانُ عَلَى النُّحَاسِ بِالْمِفْتَاحِ الْفِضِّيِّ؟

٢ أَيُّ عُنْصُرٍ يَدْخُلُ فِي تَرْكِيْبِ الْكَثِيرِ مِنَ السَّبَائِكِ؟

٣ لِمَاذَا يَسْتَعْمِدُ الصَّانِعُ النُّحَاسَ فِي مَوَادِّ الْبِنَاءِ؟

٤ أَيْنَ يَبِيعُ الْفَنَّانُونَ مُنْتَجَاتِهِمُ النُّحَاسِيَّةَ؟

٥ أَيْمَكُنْ مَرَحَلَةَ الطَّلَاءِ بِالْمَاءِ الْحَارِّ؟

جَوارٌ مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقبالِ الفُنْدُقِ

السَّائِقُ

السَّائِحُ

ما هُوَ رَقْمَ عُرْفَتِكَ؟

رَجاءً، أَعْطِنِي مِفْتاحَ عُرْفَتِي.

تَفَضَّلْ.

مِئْتانِ وَ عِشْرُونَ.

أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛
أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.

عَفْواً، لَيْسَ هَذَا مِفْتاحَ عُرْفَتِي.

مِنَ السَّادِسَةِ صَباحاً إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛
ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.

لا بَأْسَ، يا حَبِيبِي.
ما هِيَ سَاعَةٌ دَوامِكَ؟

الْفَطورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النُّصْفِ حَتَّى
التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعاً؛
الْعَداءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ
وَ الرُّبْعِ؛
الْعِشاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا
رُبْعاً.

مَتَى مَواعِدُ الفَطورِ وَ العَداءِ وَ العِشاءِ؟

شايٌّ وَ حُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ وَ زُبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ
مُرَبَّى المِشْمِشِ.

وَ ما هُوَ طَعامُ الفَطورِ؟

مَواعِد: وقتها «جمع مَوعِد»

سَاعَةُ الدَّوامِ: ساعت كار

مَسْؤُولُ الاسْتِقبالِ: مَسْئولِ پدیرش
أَعْطِنِي: به من بده
زُبْدَةٌ: گَرَه

جُبْنَةٌ: پَنِیر

رُزُّ مَعَ دَجَاجٍ.

وَمَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟

رُزُّ مَعَ مَرَقٍ بِإِذْنِجَانٍ.

وَمَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟

لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.

أَشْكُرُكَ.



إِعْلَمُوا

فِعْلُ الْأَمْرِ (٢)

در درس چهارم پایه دهم با فعل‌هایی آشنا شدید که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیشتر از سه حرف اصلی بود؛ اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید: أَخْرَجَ، تَعَارَفَ، عَلَّمَ و شَاهَدَ سال گذشته با مضارع و مصدر این فعل‌ها آشنا شدید. اکنون با فعل امر آنها نیز آشنا شوید.

تَعَارَفَ: آشنا می شوی تَعَارَفَ: آشنا شو

تُخْرِجُ: خارج می کنی أَخْرَجَ: خارج کن

تَشَاهَدُ: می بینی شَاهِدٌ: بین

تُعَلِّمُ: یاد می دهی عَلَّمَ: یاد بده

وزن فعل های ماضی و مضارع و مصدرهای جدول زیر را سال گذشته حفظ کردید. اکنون فعل امر را در کنار آن حفظ کنید.

مصدر	امر	مضارع	ماضی
تَفَاعُلٌ	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ
تَفْعِيلٌ	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
مُفَاعَلَةٌ	فَاعِلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
إِفْعَالٌ	أَفْعِلْ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ

~~تَفَاعَلْ ← تَفَاعَلُ~~ ~~تَفَاعَلْ ← فَعَّلْ~~ ~~تَفَاعَلْ ← فَعَّلَ~~ ~~تَفَاعَلْ ← فَعَّلَ~~ ~~تَفَاعَلْ ← فَعَّلَ~~ ~~تَفَاعَلْ ← فَعَّلَ~~

مثال:

مصدر	امر	مضارع	ماضی
تَشَابُهٌ: همانند شدن	تَشَابَهْ: همانند شو	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهَ: همانند شد
تَفْرِيحٌ: شاد کردن	فَرِّحْ: شاد کن	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرَّحَ: شاد کرد
مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن	جَالِسٌ: همنشینی کن	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسَ: همنشینی کرد
إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرَجَ: بیرون آورد

آنچه در یادگیری فعل‌های امر مهم است، شناسه‌ها هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.

یادآوری شناسه‌های فعل امر که در پایه نهم خواندید:

«ن» در «إفْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَّلْ، فاعِلْ، أَفْعَلْ» مانند:

إِذْهَبْ تَشَابَهْ فَرِّحْ جَالِسْ أَخْرِجْ

«ی» در «إِفْعَلِي، تَفَاعَلِي، فَعَّلِي، فاعِلِي، أَفْعَلِي» مانند:

إِذْهَبِي تَشَابَهِي فَرِّحِي جَالِسِي أَخْرِجِي

«و» در «إِفْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فاعِلُوا، أَفْعَلُوا» مانند:

إِذْهَبُوا تَشَابَهُوا فَرِّحُوا جَالِسُوا أَخْرِجُوا

«ن» در «إِفْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فاعِلْنَ، أَفْعَلْنَ» مانند:

إِذْهَبْنَ تَشَابَهْنَ فَرِّحْنَ جَالِسْنَ أَخْرِجْنَ

«ا» در «إِفْعَلَا، تَفَاعَلَا، فَعَّلَا، فاعِلَا، أَفْعَلَا» مانند:

إِذْهَبَا تَشَابَهَا فَرِّحَا جَالِسَا أَخْرِجَا

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمُونَ: سلام می‌کنید سَلِّمُوا:

تَتَعَارَفْنَ: آشنا می‌شوید تَعَارَفْنَ:

تُشَارِكَانَ: شرکت می‌کنید شَارِكَا:

تُحْسِنِينَ: نیکی می‌کنی أَحْسِنِي:

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (١) : تَرَجِّمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

مصدر	امر	مضارع	ماضى
تَحْرِيك: حركت دادن	حَرِّكْ :	يُحَرِّكُ:	حَرَّكَ :
مُحَاوَلَة: تلاش کردن	حَاوِلْ :	يُحَاوِلُ :	حَاوَلَ :
تَنَاوُل: خوردن	تَنَاوَلْ :	يَتَنَاوَلُ :	تَنَاوَلَ :
إِنزَال: پایین آوردن	أَنْزِلْ :	يُنزِلُ :	أَنْزَلَ :

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (٢) : اِقْرَأْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ قِرَاءَةً صَحِيحَةً، ثُمَّ اجْعَلْ عَلَامَاتِهَا.

مصدر	امر	مضارع	ماضى
تلوين	لون	يلون	لون
مسافرة	سافر	يسافر	سافر
إجلاس	أجلس	يجلس	أجلس
تعادل	تعادل	يتعادل	تعادل
تقسيم	قسم	يقسم	قسم
محافظة	حافظ	يحافظ	حافظ
إثبات	أثبت	يثبت	أثبت
تبادل	تبادل	يتبادل	تبادل

التَّمرِينُ الأوَّلُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(الْمِطْرَقَةُ / الْمَعْرِضُ / الْفَنَانُ / الْجُبْنُ / الدَّجَاجُ / الدَّوَامُ / أَسْلَاكُ / الْمَجْوَهَرَاتُ)

- ١ نَأْكُلُ لَحْمَ هَذَا الطَّائِرِ مَعَ الرُّزِّ فِي حَفْلَةِ الْعُرْسِ وَ فِي مَرَاسِيمِ الْعَزَاءِ.....
- ٢ مِنْ مُشْتَقَّاتِ الْحَلِيبِ نَأْكُلُهُ فِي الْفَطُورِ مَعَ الْخُبْزِ وَ الشَّايِ.....
- ٣ آلَةٌ يَضْرِبُ بِهَا النَّجَّارُ عَلَى الْمِسْمَارِ لِلدُّخُولِ فِي الْخَشَبِ.....
- ٤ وَقْتُ الْعَمَلِ لِلْمُوَطَّفِ فِي الْإِدَارَةِ أَوْ لِلْعَامِلِ فِي الْمَصْنَعِ.....
- ٥ زِينَاتٌ دَهَبِيَّةٌ أَوْ فِضِّيَّةٌ تَلْبَسُهَا الْبَنَاتُ وَ النِّسَاءُ.....
- ٦ مَكَانٌ وَاسِعٌ لِعَرْضِ الْأَشْيَاءِ وَ الْمُنْتَجَاتِ لِبَيْعِهَا.....

التَّمرِينُ الثَّانِي: اقْرَأْ أَفْعَالَ الْجَدْوَلِ وَ صَعِّ عِلَامَاتِهَا؛ ثُمَّ كَمِّلْ تَرْجَمَتَهَا.

الْمَصْدَرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
تَلْمِيعُ: درخشان کردن	لَمَعُ:	يَلْمَعُ:	لَمَعُ: درخشان کرد
إِنْتِاجُ: تولید کردن	أَنْتَجُ:	يَنْتَجُ:	أَنْتَجُ: تولید کرد
إِبْتِعَادُ: دور شدن	ابْتَعَدُ:	يَبْتَعُدُ: دور می‌شود	ابْتَعَدُ:
تَحْرُكُ: حرکت کردن	تَحْرَكَ:	يَتَحَرَّكُ: حرکت می‌کند	تَحْرَكَ:
مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	سَافَرُ:	يَسَافِرُ:	سَافَرُ: سفر کرد
إِسْتِخْدَامُ: به کار گرفتن	اسْتَحْدَمُ:	يَسْتَحْدَمُ:	اسْتَحْدَمُ: به کار گرفت
إِنْفِتَاحُ: باز شدن	انْفَتَحَ: باز شو	يَنْفَتِحُ:	انْفَتَحَ:
تَنَاوُلُ: خوردن	تَنَاوَلُ:	يَتَنَاوَلُ:	تَنَاوَلُ: خورد



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثَ الثَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ وَ اذْكُرْ نَوْعَهَا:
(الْمَاضِي وَ الْمُضَارِعِ وَ الْأَمْر)

١ ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ الْقَصَص: ٧٧

٢ ﴿وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَة: ١٩٩

٣ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

٤ ﴿أَخْلِصُوا أَعْمَالَكُمْ لِلَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لَهُ.﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥ تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ؛ وَ تَوَاضَعُوا
لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦ مَن قَطَعَ قَرِينَ السَّوِّءِ، فَكَأَنَّمَا عَمِلَ بِالتَّوْرَةِ. مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ ﷺ

٧ إِنَّ الزَّرْعَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِالمَاءِ وَ الثُّرَابِ؛ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَصْلُحُ
إِلَّا بِالْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ. عِيسَى رُوحُ اللَّهِ ﷺ

تُرَاب: خَاك

سَكِينَة: آرامش

خَلَصَ: خالص شد

أَخْلِصُوا: خالص كنيد

يَصْلُحُ: شايسته می شود، برازنده می شود «ماضی: صَلَحَ»

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ إِحْدَى الصَّنَاعَاتِ الْيَدَوِيَّةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، ثُمَّ تَرَجِّمَهُ إِلَى
الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَهُوَ:
أَنْ يَكُونَ حَازِقًا بِعَمَلِهِ، مُؤَدِّيًّا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ، مُسْتَمِيلًا لِمَنْ
اسْتَعْمَلَهُ.

الإمام الصادق عليه السلام

هر صنعتگری ناگزیر به داشتن سه ویژگی است تا با آنها سود فراهم آورد: اینکه در کارش چیره دست و در آن امانت دار باشد و کسی را که او را به کار گماشته خشنود سازد.

الْفُنُونُ وَ الْحِرَفِ الْيَدَوِيَّةُ

إِنَّ تَعَلَّمَ الْفُنُونِ الْيَدَوِيَّةِ يُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِنْتِبَاهِ وَ الصَّبْرِ وَ يَجْعَلُ الْإِنْسَانَ ذَكِيًّا.

لِكثِيرٍ مِنَ الْحِرَفِ الْيَدَوِيَّةِ إِمْكَانُ الْبَيْعِ؛ مِنْهَا:

«الْتَّطْرِيْزِ» وَ «صُنْعُ الْأَزْهَارِ» وَ «صُنْعُ الدُّمَى مِنَ الْقَمَاشِ» وَ «نَحْتُ الخَشَبِ» وَ «الْمُتَمَنِّمَةِ» وَ «الْفَخَّارِ» وَ «صِنَاعَةُ الْخَرْزِ الرَّجَاجِيِّ».



في بداية الأمر يُمكن عَرَضُ المُنْتَجَاتِ عَلَى الأَصْدِقَاءِ وَ الأَقْرَبَاءِ، وَ مَعْرِفَةُ آرَائِهِمْ، وَ بَيْعُ المُنْتَجَاتِ لَهُمْ. ثُمَّ يُمكنُ إنشاءُ صَفْحَةٍ عَلَى مَوَاقِعِ التَّوَاصُلِ الإِجْتِمَاعِيِّ؛ وَ عَرَضُ مُنْتَجَاتِكَ.



وَ إِلَيْكَ الآنَ بَعْضُ النَّصَائِحِ لِتَسْوِيقِ المُنْتَجَاتِ بِشَكْلِ أَفْضَلٍ وَ صَمَانِ الأُصُولِ لِلزَّبَائِنِ:

- ١ عَرَضُ صُورِ المُنْتَجَاتِ.
- ٢ مُشَاهَدَةُ المُنَافِسِينَ وَ مَعْرِفَةُ طُرُقِهِمْ فِي التَّسْوِيقِ وَ البَيْعِ.
- ٣ التَّعَرُّفُ عَلَى آرَاءِ الزَّبَائِنِ.
- ٤ المُمَاشَرَكَةُ فِي المَعَارِضِ المَحَلِّيَّةِ.
- ٥ إنشاءُ عَلامَةٍ تِجَارِيَّةٍ خَاصَّةٍ لَكَ.



الْمُعْجَم

فَخَّار: سُفَال	إِسْتَعْمَلَ: به کار گماشت
فُنُون: هنرها «مفرد: فَن»	تَسْوِيق: بازاریابی
مُسْتَمِيل: به دست آورنده دل	تَطْرِيْز: گلدوزی
مُضْطَّر: ناگزیر	تَعَرَّفَ عَلَي: شناختی
مَكْسَب: سود = نَفْع	تَوَاصُل: ارتباط
مُنَافِسِيْنَ: رقیبان	حَادِق: چیره دست = ماهر
مُنْتَمِمَة: مینیاتور	خَرَز: مهره «واحد آن: خَرَزَة»
مَوَاقِع: سایتها «مفرد: مَوْقِع»	دُمِي: عروسک «واحد آن: دُمِيَة»
مُوَدِّي (مُوَدِّي): به جا آورنده	ذِي صِنَاعَة: صنعتگر «ذی، ذو: دارای»
نَحْتُ الخَشَب: منبت کاری	زَبَائِن: خریداران «مفرد: زَبُون» = مُشْتَرِي
وَإِيكَ الآن: واینک به شما تقدیم می شود	ضَمَان: تضمین
وَصُول: رسیدن	عَرَض: نمایش
يَجْتَلِب: فراهم می کند «ماضی: اجْتَلَب»	

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

- ۱ «الْدُمِيَّةُ» شَيْءٌ عَلَى صُورَةِ مَخْلُوقَاتٍ حَقِيقِيَّةٍ أَوْ خَيَالِيَّةٍ يَلْعَبُ بِهَا الْأَطْفَالُ.
- ۲ «الْتَسْوِيقُ» مَهَارَةٌ لِلتَّعَرُّفِ عَلَى الزَّبَائِنِ وَعَلَى أَسَالِبِ الْبَيْعِ.
- ۳ «الْتَطْرِيْزُ» فَنُّ تَزْيِينِ الْقُمَاشِ أَوْ مَوَادِّ شَبِيهَةٍ بِهِ بِرُسُومٍ مُخْتَلِفَةٍ.
- ۴ «الزَّبُونُ» هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ فِي الشَّرَاءِ عَلَى بَائِعٍ أَوْ مَحَلٍّ وَاحِدٍ.
- ۵ لَا تَأْتِيْرُ لِمَوَاقِعِ التَّوَاصُلِ الْاجْتِمَاعِيِّ فِي بَيْعِ الْمُنْتَجَاتِ.
- ۶ لَيْسَ لِأَكْثَرِ الْحِرْفِ الْيَدَوِيَّةِ إِمْكَانُ الشَّرَاءِ.

جَوارٌ مَعَ مُشْرِفٍ خَدَماتِ الْفُنْدُقِ

السَّائِقُ

السَّيِّدُ دِمَشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَماتِ
عُرْفِ الْفُنْدُقِ.
ما هي الْمَشْكَلَةُ؟

أَعْتَذِرُ مِنْكَ، رَجَاءً اسْتِرْحَ؛ سَأَتَّصِلُ
بِالمُشْرِفِ.

مَسْؤُولُ الْاسْتِقْبالِ يَتَّصِلُ بِالمُشْرِفِ، وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مَهْنَدِسِ الصِّيَانَةِ.

السَّائِحُ

لَيْسَتْ عُرْفَتِي وَ عُرْفُ زَمَلائِي نَظِيفَةً،
وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.

فِي الْعُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسورٌ،
وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ ناقِصٌ،
وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّالِثَةِ الْمُكَيِّفُ لا يَعمَلُ.

تَسَلَّمْ عَيْنُكَ!

السَّائِحُ

عَفَواً؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْعُرْفِ
وَ الْحِفاظِ عَلَيْها؟

لَيْسَتْ الْعُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيها نَوَاقِصٌ.

مُشْرِفُ خَدَماتِ الْفُنْدُقِ

ما هي الْمَشْكَلَةُ، يا حَبِيبِي؟!

سَيأتي عَمالُ التَّنْظِيفِ،
وَ ما الْمَشْكَلاتُ الأخرى؟

نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ
سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَي عَيْنِي.



مُشْرِفٌ: مدير داخلي تَنْظِيفٌ: تميز كردن حِفاظٌ: نگهداری اسْتِرْحٌ: راحت باش اتَّصَلُ: تماس می گیرم صيانة: تعمیرات
سَرِيرٌ: تخت مَكْسورٌ: شکسته شَرَشَفٌ: ملافه مُكَيِّفٌ: كولر نَصَلِّحُ: تعمیر می کنیم

اعلموا

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

با « فعل مجهول » در دستور زبان فارسی آشنا شوید.

(نوشت ← نوشته شد / می نویسد ← نوشته می شود)

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل، از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می شود؛
مثال:

زد: زده شد می زند: زده می شود دید: دیده شد می بیند: دیده می شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛

ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان، در را گشود» می دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

خَلِقَ: آفریده شد

خَلَقَ: آفرید

عَسَلَ: شسته شد

عَسَلَتْ: شُست

يُخَلَقُ: آفریده می شود

يَخْلُقُ: می آفریند

يُعَسَلُ: شسته می شود

يَغْسِلُ: می شویند

در دستور زبان عربی، هنگام مجهول شدن فعل، وزن آن تغییر می کند.

يَكْتُبُ: نوشته می شود

يَكْتُبُ: می نویسد

كُتِبَ: نوشته شد

كَتَبَ: نوشت

يُضْرَبُ: زده می شود

يَضْرِبُ: می زند

ضُرِبَ: زده شد

ضَرَبَ: زد

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال های بالا بیابید.

يَفْعَلُ ← يَفْعَلُ

فَعَلَ ← فَعَلَ

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.



١ ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الأعراف: ٢٠٤

٢ ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ مريم: ٦٠

٣ ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الغاشية: ١٧



٤ ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَنُ: ٥٥

٥ ﴿وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ النَّسَاء: ٢٨

٦ ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٣

صيام: روزه = صَوْم

إبل: شتران

لعل: شاید، امید است

أنصتوا: خاموش باشید

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(اِتَّصَلْنَا / سَرِيرٌ / الصَّيَامُ / مُكَيِّفٌ / شَرَّشَفُ / لَعَلَّهُ / أَنْصِتُوا / الْإِبِلُ)

- ١ تَعْرِفُ بِسَفِينَةِ الصَّحْرَاءِ.
- ٢ شَهْرُ رَمَضَانَ، شَهْرُ الْعِبَادَةِ وَ
- ٣ رَجَاءٌ؛ لِأُسْتَاذِ الَّذِي يَتَكَلَّمُ مَعَكُمْ.
- ٤ الْجَوْ حَارٌّ جِدًّا وَ لَا فِي هَذِهِ الْحَافِلَةِ.
- ٥ إِسْأَلُوا عَنِ حَالِ زَمِيلِكُمْ الْغَائِبِ؛ مَرِيضٌ.
- ٦ وَقَعَ حَادِثٌ مُرَوِّرٌ؛ فَ بِالْمُسْتَشْفَى وَ مَرَكَزِ الشَّرْطَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اكْتُبْ مَعْنَى الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ.

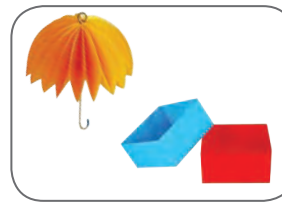
- ١ عَرَفَ: سَنَخَتْ عَرِفَ: يَعْرِفُ: مَي سَنَاسِد مَي عَرَفَ:
- ٢ فَتَحَ: كَشَوْد فُتِحَ: يَفْتَحُ: مَي كَشَايِد مَي يَفْتَحُ:
- ٣ رَفَعَ: بَالَا بُرْد رُفِعَ: يَرْفَعُ: بَالَا مَي بُرْد مَي يَرْفَعُ:
- ٤ سَتَرَ: پُوشَانْد سِتَرَ: يَسْتُرُ: مَي پُوشَانْد مَي يَسْتُرُ:
- ٥ دَفَعَ: پَرِدَاخْت دُفِعَ: يَدْفَعُ: مَي پَرِدَاذْد مَي يَدْفَعُ:
- ٦ شَرَبَ: نُوشِيد شُرِبَ: يَشْرَبُ: مَي نُوشِد مَي يَشْرَبُ:

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١ أَلِكَلِمَةُ الْعَرَبِيَّةُ : سَائِقٌ □ فَلَاحٌ □ حَدَادٌ □ جَاهِزٌ □
- ٢ أَلِكَلِمَةُ الْعَرَبِيَّةُ : مِقْدَارٌ □ مَنشَارٌ □ مِفْتَاحٌ □ مِسْمَارٌ □
- ٣ أَلِكَلِمَةُ الْعَرَبِيَّةُ : تَطْرِيزٌ □ فَخَّارٌ □ سَكِينَةٌ □ مُنَمَّمَةٌ □
- ٤ أَلِكَلِمَةُ الْعَرَبِيَّةُ : جُبْنَةٌ □ نَحْتٌ □ زُبْدَةٌ □ حَلِيبٌ □
- ٥ أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ : يُصَلِّحُ □ يُنْتِجُ □ يُكْتَبُ □ يَسْمَعُ □
- ٦ أَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ : يَفْتَحُ □ يُشْرَفُ □ يُضْرَبُ □ يُصَلِّحُ □
- ٧ مَعْنَى «قَتَلَ» : كُتِبَ □ مِى كُشِدَ □ كَشْتَه شَدَ □ كَشْتَه مِى شَوْدَ □
- ٨ أَلْفِعْلُ الْمَعْلُومُ : قَتَلَ □ جَعَلَ □ نُصِرَ □ كُتِبَ □
- ٩ الْأَمْرُ مِنْ «نُعَلِّمُونَ» : عَلِّمُوا □ أَعْلِمُوا □ إِعْلَمُوا □ تَعَلَّمُوا □
- ١٠ أَلْنَهْيُ مِنْ «تَتَكَلَّمُ» : لَا تَتَكَلَّمُ □ مَا تَكَلَّمْ □ لَا تَتَكَلَّمُ □ لَا يَتَكَلَّمُ □

الْعَمَلُ الْيَدَوِيُّ

الأوريغامي فن طَيُّ الورق. الّهَدَفُ مِنْهُ تَحْوِيلُ وَرَقَةٍ إِلَى شَكْلِ جَمِيلٍ. هَذَا الْفَنُّ يُسَاعِدُكَ عَلَى التَّرْكِيزِ. يَكُونُ الْوَرَقُ مَلُونًا مِنْ جَانِبٍ وَ أَبْيَضَ مِنَ الْجَانِبِ الْآخَرِ، وَ تَوْجَدُ أَوْرَاقٌ مَلُونَةٌ؛ وَ يُمَكِّنُ لَنَا اسْتِخْدَامَ أَيِّ وَرَقٍ لِلطَّيِّ. اصْنَعْ شَكْلًا مِنَ الْأُورِيغَامِيِّ وَ عِلِّمْ زُمَلَاءَكَ طَرِيقَةَ صُنْعِهِ.



تَرْكِيز: مَتَمَرِّكُزْ كَرْدَن

تَحْوِيل: تَبْدِيل

طَّيِّ: تَا كَرْدَن



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی‌گمان خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مُرده بیرون می‌آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

«تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مَخْلُوقَاتُ اللَّهِ تَنْبُتُ قُدْرَةَ اللَّهِ. مِنْهَا عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ:



أَلْعَبَبُ الْبَرَاذِلِيِّ:

أَثْمَارُهُ عَلَى جِدْعِهِ،

وَ يُعْطِي أَثْمَاراً طَوِلاً السَّنَةِ.

شَجَرَةُ السُّكُوبَا:

يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِثْرٍ

وَ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ

عُمْرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةٍ

سَنَةً تَقْرِيباً.



الشَّجَرَةُ الْخَانِئَةُ:

شَجَرَةٌ فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ

حَيَاتَهَا بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلَ جِدْعِ شَجَرَةٍ وَ

أَغْصَانِهَا، ثُمَّ تَخْنُقُهَا تَدْرِيجاً.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ:
 شَجَرَةٌ فِي جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي،
 لَهَا أَثْمَارٌ كَالْخُبْزِ.
 يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ أَثْمَارِهَا.



شَجَرَةُ النَّفْطِ:
 شَجَرَةٌ فِي بُدْرِهَا زَيْتٌ،
 وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ:
 رُبَّمَا تَبْلُغُ مِنَ الْعُمْرِ أَلْفِي سَنَةٍ.
 يَسْتُرُّ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوَازِ الْبَلُوطِ
 تَحْتَ الثَّرَابِ، وَ رُبَّمَا يَنْسِي مَكَانَهَا.
 وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَصِيرُ الْجَوَزَةُ
 شَجَرَةً.



إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ، مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطِيبَ مِنْهُ.

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا، مردم کاری حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

جَوْزَةٌ: دانه گردو، بلوط و مانند آن	أَحَلَّ: حلال تر، حلال ترین
خَتَّقَ: خفه کرد (مضارع: يَخْتُقُّ)	اشْتَعَالَ: برافروخته شدن، سوختن (اشْتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)
خَانِقٌ: خفه کننده	أَطْيَبُ: خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنُ، أَفْضَلُ
فَالِقٌ: شکافنده	أَغْصَانٌ: شاخه ها «مفرد: غُصْنٌ»
لُبٌّ: مغز میوه، مغز هر چیزی	الْتِفَافٌ: در هم پیچیدن (الْتَفَّ، يَلْتَفُّ)
الْمُحِبِّطُ الْهَادِيُّ: اقیانوس آرام	جُدْعٌ: تنه «جمع: جُدوع»
نَوَى: هسته «واحد: نَوَاةٌ»	جُزُرٌ: جزیره ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»

صَغُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١ تَبَدُّ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ حَوْلَ جُدْعِ شَجَرَةٍ وَ أَغْصَانِهَا.
- ٢ حَسَبَ قَوْلِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَطْيَبُ الْأَعْمَالِ الـ وَ الْغَرْسُ.
- ٣ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ مِثْرٍ.
- ٤ تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى شَجَرَتِهِ.
- ٥ لِشَجَرَةِ الْخُبْزِ أَثْمَارٌ فِي نِهَائِهِ كَالْخُبْزِ.
- ٦ يَأْكُلُ النَّاسُ أَثْمَارَ شَجَرَةِ الْخُبْزِ.

شراء شريحة الهاتف الجوّال

موظّف الاتصالات

الزائرة

تفضّلي، و هل تُريدين بطاقة الشحن؟

رجاءً، أعطني شريحة الجوّال.

تستطيعين أن تشحني رصيد جوّالك
عبر الإنترنت.

نعم؛ من فضلك أعطني بطاقة بمبلغ
خمسة وعشرين ريالاً.

تشتري الزائرة شريحة الجوّال و بطاقة الشحن و تضع الشريحة في جوّالها و تريد أن
تتصل ولكن لا يعمل الشحن، فتذهب عند موظّف الاتصالات و تقول له:

أعطني البطاقة من فضلك.
سامحيني؛ أنت على الحقّ. أبدل لك البطاقة.

عفواً، في بطاقة الشحن إشكالٌ.



بطاقة الشحن: كارت شارژ
سامحيني: مرا ببخش

شحن: شارژ
تضع: می گذارد

اتصالات: مخابرات
عبر: از راه
أبدل: عوض می کنم

شريحة: سیمکارت
رصيد: اعتبار مالی
أنت على الحق: حق با توست

اعلموا

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده کاری یا دارنده حالتی» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	ترجمه	اسم مفعول	ترجمه
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریدگار	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	ترجمه	اسم مفعول	ترجمه
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلیدکننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَكْتَسِبُ	مُكْتَسِب	به دست آورنده	مُكْتَسَب	به دست آورده شده
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّم	یادگیرنده	مُتَعَلَّم	یاد گرفته شده
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَتَهَاجَمُ	مُتَهَاجِم	حمله کننده	-	-
يَنْسَحِبُ	مُنْسَحِب	عقب نشینی کننده	-	-

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.
گروه اول: فعل‌هایی بود که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها سه حرف بود
 و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن «فاعل» و «مفعول» بود.

نَصَرَ ← ناصِر، مَنْصُور

گروه دوم: فعل‌هایی است که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیشتر از سه حرف بود
 و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «م» شروع می‌شود.

اِنْتَظَرَ ← مُنْتَظِر، مُنْتَظَر

یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.
 (اسم فاعل : مُ ... مِ ...) ، (اسم مفعول : مُ ... مَ ...)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ وَ الْعِبَارَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

.....	مَفْتُوح	حَارِس	مَرْفُوع	دَافِع
.....	مُسَافِر	مُعْتَمَد	مُقَلَّد	مُصَدِّق
.....	مَطْبُوح	صَادِق	مُشَاهَد	مُتَكَلِّم
.....	مُتَحَرِّك	مُعْتَذِر	مُخْرِج	مُسَاعِد

يا صَانِعِ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رَازِقِ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

من دُعَاءِ الْحُوشَنِ الْكَبِيرِ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ .

x ✓

- ١ يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.
- ٢ الْمُحِيطُ الْهَادِي فِي شَمَالِ مُحَافَظَةِ مازندران.
- ٣ لَا يُمَكِّنُ شَحْنَ الْجَوَالِ عَبْرَ الْإِنْتِرِنْتِ.
- ٤ شَجَرَةُ الْخُبْزِ فِي جُزْرِ الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ.
- ٥ الْهَاتِفُ الْجَوَالُ أَدَاةُ اتِّصَالٍ لاسِلِكِيّ!
- ٦ عُمُرُ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ قَلِيلٌ جِدًّا.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اُكْتُبِ مُفْرَدَ الْجُمُوعِ التَّالِيَةِ.

صِنَاعَات	أَوَانِي	سِيَّاح
أَغْصَان	أَثْمَار	أَجْهَزَة
أَصْدِقَاء	سَبَائِك	زَبَائِن
خِصَال	غَابَات	بَنَات
جُذُوع	أَقَارِب	حِرَف
أَسْلَاك	آلَاف	آرَاء
أَجَانِب	صَّنَاع	جُزُر

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ؛ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

١ يا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مُحَمَّدٍ.

٢ يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلظَّالِمِينَ.

٣ ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ آتَبًا: ٤٠.

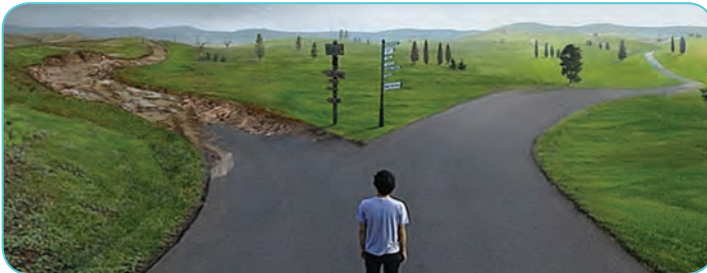
٤ مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ، فَهوَ جَاهِلٌ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٥ سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٦ الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوْءِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٧ كَانِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

٨ لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِحْتِ عَنِ نَصِّ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَجَائِبِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ؛ ثُمَّ اكْتُبْ حَدِيثًا مُنَاسِبًا لَهَا.
 هَفْتَبَارِكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿المؤمنون: ١٤﴾



سَرُوْ اَبْرِكُوْه فِى يَزْد عُمْرُهُ اَرْبَعَةَ اَلْفٍ
 وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ
 سَرُو ٤٥٠٠ سَالَهُ اَبْرِكُوْه يَزْد



زَنْبَقُ الْمَاءِ الْعِمْلَاقُ فِى اَمَازُون
 نِيلُوْفَرِ اَبِى بَزْرَگِ اَمَازُون



زَهْرَةُ الزَّعَلِ وَ السَّلَامِ
 گِیَاه قَهْر وَ اَشْتِی



بِئْرُ زَمِمْ قُرْبَ مَدِیْنَةِ بَدْرَةِ بِاِیْلَامِ
 چَاه زَمِمْ نَزْدِیْکِ شَهْرِ بَدْرَةِ اِیْلَامِ



بَطُّ مَانْدَارِين فِي شَرْقِ آسِيَا
اردک پرنده در شرق آسیا



السَّمَكُ الطَّائِرُ
ماهی پرنده



الشَّفَقُ الْقُطْبِيُّ
شفق قطبی



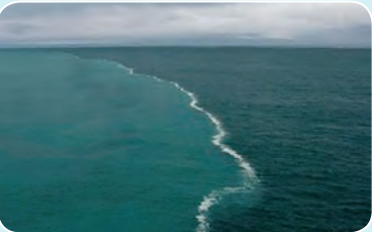
الْوَارِقَةُ
حشره برگی



الْجِبَالُ الْمَرِيخِيَّةُ بِمَدِينَةِ شَابَهَار
کوه‌های مریخی چابهار



كَهْفُ عَلِي صَدْر، أَكْبَرُ كَهْفِ مَائِيٍّ
فِي الْعَالَمِ
غار علی صدر، بزرگترین غار آبی جهان



بَحْرُ بِلَوْنَيْنِ
دریای با دو رنگ



السَّمَكَةُ الشَّفَافَةُ
ماهی شفاف

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ،

إِلَى اللِّقَاءِ، نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الثَّانِي عَشَرَ ؛
حَفِظْكُمْ اللَّهُ ؛ فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را برعهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند، به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران برگزیده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن - پایه یازدهم - رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش - کد ۲۱۱۱۱۱

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	معصومه سپندار	چهارمحال و بختیاری	۹	نرگس دهقانیان	بوشهر
۲	طهمورث سلیمانی	کردستان	۱۰	کمال اسدی	قزوین
۳	یوسف فاضل	گلستان	۱۱	زهرا دباغ	آذربایجان شرقی
۴	غلامرضا پرشی	بوشهر	۱۲	معصومه پویا	البرز
۵	مهدی شغایی	آذربایجان شرقی	۱۳	سیدامید سادات کیایی	البرز
۶	رخساره آبراهه	خراسان جنوبی	۱۴	صمد نجفی	چهارمحال و بختیاری
۷	محمد امیری فر	خراسان جنوبی	۱۵	پرویز شیخ	گلستان
۸	فاطمه یوسفعلی	قزوین	۱۶	فاطمه سرپرست	قزوین